

تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دکتر سید علی طباطبایی*

علی محمودی**

چکیده

نقطه شروع همکاری‌های سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (اعضای شورای همکاری خلیج فارس) به نشست سران ناتو در سال ۲۰۰۴ برمی‌گردد. در این نشست با تصویب سند ابتکار همکاری استانبول (ICI) از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دعوت شد تا وارد همکاری‌های امنیتی - نظامی با ناتو شوند. قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی، چهار کشوری هستند که تاکنون به این دعوت پاسخ مثبت داده و با انعقاد پیمان‌های امنیتی یا قراردادهای مبادله اطلاعات نظامی - امنیتی همکاری‌هایی را با ناتو آغاز کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این اقدام ناتو یعنی همکاری‌های امنیتی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در ادامه برنامه مشارکت برای صلح و گفتگوی مدیترانه می‌تواند در راستای استراتژی ترویج ثبات در همسایگی ناتو و مناطق پیرامونی آن تفسیر گردد. اهداف و منافع ناتو از شروع این همکاری‌ها را می‌توان در چهار شاخص زیر بررسی کرد: الف) مقابله با تهدیدات نوین، ب) پیشگیری از تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ج) کمک به ساخت یک الگوی امنیتی مشارکتی منطقه‌ای و د) تأمین امنیت منابع انرژی و خطوط انتقال انرژی. بنابراین حضور ناتو در کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و انعقاد قراردادهای امنیتی - اطلاعاتی با کشورهای منطقه می‌تواند تبعات منفی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از این رو ضرورت به کارگیری سیاست خارجی که بتواند این تهدید را به فرصت تبدیل سازد، بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) - کشورهای شورای همکاری خلیج فارس - مسئله هسته‌ای ایران - تهدیدات نوین - ابتکار همکاری استانبول - رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای - نظریه امنیت تعاونی - امنیت انرژی - الگوی امنیتی منطقه‌ای.

* استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

Email: s_ali_tabatabaee@yahoo.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Email: ali.mahmoudi1982@gmail.com

مقدمه

کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق و کشورهای حاشیه دریای مدیترانه سه محوری هستند که ناتو در منطقه خاورمیانه بر روی آنها تمرکز نموده است. آنچه در این مقاله به آن می‌پردازیم، صرفاً بحث همکاری‌های سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است و مسائل مربوط به عراق و گفتگوهای مدیترانه خود حدیث دیگری است که در این بحث نمی‌گنجد.

نقطه آغازین همکاری‌های ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به نشست سران ناتو در سال ۲۰۰۴ برمی‌گردد. در این نشست بود که ابتکار همکاری استانبول^۱ به منظور جذب کشورهای این منطقه تصویب شد و بدین ترتیب بود که این کشورها به همکاری با ناتو دعوت شدند و این دعوت به یک نشست مهم در ریاض منجر شد که طی آن ناتو و کشورهای عربی برای همکاری‌های امنیتی جهت برقراری امنیت در منطقه خلیج فارس پیمان‌هایی منعقد کردند. کشورهای کویت، قطر، بحرین و سپس امارات متحده عربی به این دعوت پاسخ مثبت دادند و قراردادهایی را با ناتو منعقد

کردند، اما عربستان و عمان دو عضو دیگر شورای همکاری خلیج فارس هنوز به این طرح نپیوسته‌اند.

موافقت با عضویت ناظر عربستان در ناتو، برپایی دفاتر عمومی ناتو در بحرین و اعزام مربیان و متخصصین ضد تسلیحات هسته‌ای به کویت، در راستای ارتقای مناسبات ناتو و شورای همکاری خلیج فارس مصوب نشست ۲۰۰۴ استانبول بود. از دیگر مصوبات آن نشست می‌توان به آموزش و تجهیز واحدهای نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شرط تحقق شفاف‌سازی در بودجه نظامی و اصلاحات در مسائل امنیتی و نظامی اشاره کرد.

در ارتباط با این همکاری، آنچه که بیش از پیش تأکید می‌شود، این است که امروز امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس با امنیت یورو - آتلانتیک به طرز فزاینده‌ای مرتبط شده است و این منطقه در معرض تهدیداتی قرار دارد که همکاری مشترک همه کشورها و از جمله کشورهای عضو ناتو را ضروری می‌سازد. همکاری ناتو و این کشورها تاکنون شامل آموزش‌های نظامی، مبادله اطلاعات، برگزاری رزمایش‌های مشترک و مبارزه با عملیات تروریستی بوده است.

۴. تأمین امنیت انرژی و تضمین ترابری در خطوط انتقال انرژی.

۱- چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری که برای این مقاله در نظر گرفته شده، نظریه «امنیت تعاونی»^۲ است. این نظریه توسط سه تن از استراتژیست‌های آمریکایی یعنی اشتون کارتر^۳، ویلیام پری^۴ و جان اشتاین برونر^۵ تئوریزه و وارد ادبیات امنیتی شده است. آنها از امنیت تعاونی به عنوان عاملی برای تأمین صلح جهانی نام می‌برند.

ترتیبات مرتبط با امنیت تعاونی به دنبال جلوگیری از بروز جنگ از طریق جلوگیری از مهیا شدن ابزار لازم برای انجام یک حرکت تجاوزکارانه می‌باشد. از سوی دیگر این ترتیبات تلاش دارد تا نیازهای کشورهای به خطر افتاده را برطرف نماید تا آنها را از انجام تدارکات جنگی متقابل باز دارد. جلوگیری از جنگ در چارچوب نظام امنیت تعاونی نه مبتنی بر منطق زور و قدرت، بلکه بر اساس منطق مهار و خنثی‌سازی ابزار و عواملی است که منشاء

سؤال اصلی که این مقاله در صدد پاسخ به آن است اینکه «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از رهگذر قراردادهای همکاری که با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس منعقد ساخته است، چه اهداف و منافعی را پیگیری می‌کند و این همکاری‌ها چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟» در پاسخ به پرسش فوق، فرضیه اصلی پژوهش چنین مطرح می‌گردد که «همکاری‌های سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در ادامه طرح مشارکت برای صلح و گفتگوهای مدیترانه و با هدف ترویج ثبات در همسایگی ناتو و مناطق پیرامونی آن می‌باشد که می‌تواند تبعات منفی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد». این هدف، یعنی ترویج ثبات در مناطق پیرامونی و مرزهای ناتو در چهار قسمت به صورت زیر شاخص‌سازی شده است:

۱. مقابله با تهدیدات نوین از قبیل دولت‌های فروپاشیده، بنیادگرایی اسلامی، تروریسم سایبر و...؛
۲. جلوگیری از تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛
۳. تلاش برای ایجاد الگوی امنیتی مشارکتی منطقه‌ای؛

2. Cooperative Security
3. Ashton Carter
4. William Perry
5. John Steinbruner

بروز جنگ می‌باشد (خانی، ۱۳۸۳، صص ۴۰۳-۴۰۲).

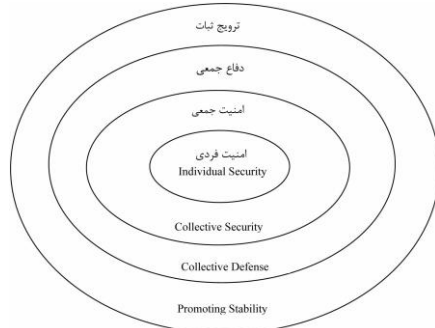
آلاو کاندسن^۶ نیز در مقاله‌ای درباره مفهوم امنیت تعاونی، معتقد است این نوع امنیت در درجه اول منعکس‌کننده طرز تلقی دشمنان سابق یا طرف‌هایی می‌باشد که یکدیگر را دشمنان بالقوه نسبت به رابطه کنونی و آینده در میان آنان می‌دانند و در درجه دوم آنها درصددند حالت تعارض‌آمیز بیشینه را به حالت کمینه تغییر جهت دهند. از نظر وی امنیت تعاونی اصولاً معرفت سیاستی است که در عمل خود را به صورت دست‌وپنجه نرم کردن صلح‌آمیز با درگیری‌ها نشان داده است و نه صرفاً با دوری گزیدن از خشونت یا تهدید (خانی، ۱۳۸۳، صص ۴۰۴).

بنابراین نظام امنیت تعاونی اعم از نظام امنیت دسته‌جمعی است که در آن بر اصل تعهد همه برای یکی تأکید شده و سه هدف؛ حفظ صلح،^۷ احیای صلح^۸ و ایجاد صلح^۹ را به عنوان اهداف و وظایف اصلی خود معرفی می‌نماید. از این رو نظام امنیت تعاونی، رویکردی موسع به امنیت دارد و علاوه بر در نظر داشتن تهدیدات سخت از قبیل تروریسم، جرائم سازمان‌یافته یا اقدامات

تجاوزکارانه یک دولت، به ابعاد نرم امنیت از قبیل آلودگی هوا یا نقض حقوق بشر نیز توجه دارد و از این رهگذر، امنیت فردی و حفظ و تقویت آن جایگاه محوری در این نظام پیدا می‌کند به طوری که پیگیری اهداف و سیاست‌های امنیتی بدون لحاظ نمودن و توجه به امنیت فردی ناموجه و ناکارآمد تلقی می‌شود.

ریچارد کوهن^{۱۰} و میهالکا^{۱۱} نیز نظام امنیت تعاونی را در چهار سطح به هم پیوسته سازماندهی کرده‌اند و این سطوح به نوعی بیانگر اهداف، فعالیت‌ها و وظایف این نظام می‌باشد (خانی، ۱۳۸۳، صص ۴۱۱).

شکل شماره (۱) - سطوح امنیت تعاونی



ترویج ثبات به عنوان هدف نهایی در نظام امنیت تعاونی معطوف به مرزهای این نظام و محیط پیرامونی آن می‌باشد. در این راستا تلاش می‌شود تا از بروز بی‌ثباتی در

6. Olav Kundsens
7. Peace Keeping
8. Peace Restoring
9. Peace Building

10. Richard Kohen
11. Micael Mihalka

اتحادیه آفریقایی در سودان و... همگی نشانگر اهمیت و تأکیدی است که ناتو برای ترویج ثبات در مرزهای خود دارد.

در مورد روابط ناتو با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس نیز باید گفت که این همکاری‌ها و ارتباطات را می‌توان در قالب نظریه امنیت تعاونی و با هدف ترویج ثبات در همسایگی ناتو تعریف کرد. علاوه بر همسایگی ایران با ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو، موضوع هسته‌ای ایران، اهمیت منطقه خلیج فارس از نقطه نظر میزان منابع انرژی موجود در منطقه و خطر ظهور بنیادگرایی اسلامی و سلفی‌گری در کشورهای منطقه، اهمیت این همکاری‌ها را نشان می‌دهد. در قبال برنامه هسته‌ای ایران آنچه که مورد ادعای غرب است اینکه مسئله هسته‌ای ایران موجب برهم خوردن توازن قوا در منطقه و برتری یک‌جانبه جمهوری اسلامی ایران را باعث می‌شود. از این منظر، حفظ ثبات در منطقه جزو اولویت‌های ناتو می‌باشد، به طوری که خود را قائل به ایفای نقش در این مسئله می‌داند.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ناتو بر پایه نظریه امنیت تعاونی، درصد برقراری ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس به عنوان محیط پیرامون خود می‌باشد. در

محیط پیرامونی نظام و هرگونه به هم خوردن موازنه قدرت و ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی جلوگیری شود تا ادامه تنش‌ها و بی‌ثباتی به درون نظام راه پیدا نکند.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که بر اساس معاهده واشنگتن در سال ۱۹۴۹ تأسیس گردید، به عنوان نظام مبتنی بر نظریه امنیت دسته‌جمعی شکل گرفت و با پایان یافتن جنگ سرد در اواخر قرن بیستم و با تغییر اهداف، استراتژی‌ها و کارکرد خود اینک خود را به عنوان نظامی بر پایه نظریه امنیت تعاونی تعریف کرده است. یعنی درصدد است که ثبات را در محیط پیرامونی خود در همسایگی کشورهای عضو رواج دهد. همکاری‌های ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز در راستای همین هدف و در ادامه تأسیس شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک،^{۱۲} تأسیس شورای دائم روسیه - ناتو،^{۱۳} گفتگوی مدیترانه^{۱۴} و مشارکت برای صلح^{۱۵} قابل تفسیر است.

دخالت ناتو در بحران کوزوو در سال ۱۹۹۴، مشارکت ناتو در افغانستان در قالب نیروهای ایساف، نقش ناتو در آموزش نیروهای عراقی، همکاری ناتو با نیروهای

12. Euro-Atlantic Partnership Council (EAPC)
13. NATO-Russia Permanent Joint Council (PJC)
14. Mediterranean Dialogue
15. Partnership for Peace (PFP)

راستای این هدف مدیریت بحران، ایجاد موازنه، ارائه تضمین‌های امنیتی و کمک به ساخت الگوی امنیتی منطقه‌ای را نیز در نظر دارد.

۲- همکاری‌های عملی ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

در اینجا به بررسی روابط و همکاری‌های ناتو با کشورهای قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی می‌پردازیم:

قطر

- برگزاری کنفرانس مشترک ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در آوریل ۲۰۰۴ در دوحه پایتخت قطر که در طی آن موافقتنامه‌هایی پیرامون تبادل اطلاعات، ارائه آموزش‌های نظامی و عملیات ضد تروریستی بین طرفین (قطر و ناتو) منعقد گردید.

- برگزاری سمینار «ناتو و خاورمیانه بزرگ: نقش نمایندگان پارلمان‌ها» در نوامبر ۲۰۰۵ در دوحه پایتخت قطر با ۴ نشست تخصصی پیرامون: مسائل امنیتی در منطقه خلیج فارس، بحران عراق و پیامدهای آن بر منطقه خلیج فارس، اصلاح اجتماعی و سیاسی در منطقه خلیج فارس و روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس.

- تأسیس دفتر روابط عمومی ناتو در قطر.

- برگزاری سمینار «ناتو و امنیت خلیج (فارس)» در نوامبر ۲۰۰۵ در دوحه قطر و نخستین سفر دبیرکل وقت ناتو به منطقه.

- دیدار امیر قطر شیخ حمد بن آل ثانی از مقر ناتو در بروکسل و گفتگو با دبیرکل ناتو در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۶. در طی این دیدار که نخستین دیدار یک رئیس دولت کشورهای عضو همکاری استانبول از مقر ناتو بود، سندی تحت عنوان «فهرست همکاری عملی» مشتمل بر ۱۶۰ فعالیت عملی بین قطر و ناتو به امضا رسید که شامل آموزش در زمینه‌های اقدامات ضد شورش، جستجو و کشف تسلیحات کشتار جمعی، اصلاحات دفاعی و نظامی و امنیت مرزی و برگزاری رزمایش‌های مشترک بود.

- برگزاری سمینار «نقش ناتو در برقراری ثبات و امنیت» در ژانویه ۲۰۰۸ در دوحه قطر.

کویت

- برگزاری نشست «ناتو و کشورهای خلیج فارس»: مقابله با چالش‌های مشترک از طریق ابتکار همکاری استانبول» در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ در کویت که در جریان

امارات متحده عربی

- برگزاری نشست «ارتقای همکاری و تقویت روابط: مناسبات ناتو و خلیج/فارس» در چارچوب ابتکار همکاری استانبول در دبی، در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵؛

- اعزام نیروهایی از امارات به جنگ افغانستان در قالب نیروهای ناتو در اوایل سال ۲۰۰۸ که این تیم به عنوان نخستین گروه از کشورهای عربی بود که به جنگ افغانستان اعزام گردید.

- برگزاری سمینار «خاورمیانه و چالش‌های جهانی شدن» در امارات متحده عربی در اکتبر ۲۰۰۸؛

- امضای توافقنامه امنیتی میان ناتو و امارات متحده عربی در ابوظبی در اکتبر ۲۰۰۹؛

- امضای قرارداد تبادل اطلاعات محرمانه بین ناتو و امارات متحده عربی در نوامبر ۲۰۰۹.

۳- اهداف همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

چنانچه گفته شد، در اینجا به بررسی اهداف ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس در چهار محور زیر می‌پردازیم:

برگزاری این نشست یک موافقتنامه تبادل اطلاعات امنیتی بین ناتو و کویت امضا شد.

- اعزام یک تیم تخصصی ضد رادیواکتیو از سوی ناتو به کویت در مه ۲۰۰۷.

- برگزاری رزمایش ۶ روزه با حضور ناوهای ناتو در حد فاصل دو جزیره «ام‌المرادم» و «قاروه» در شمال و شمال غرب کویت در نوامبر ۲۰۰۸.

بحرین

- تأسیس دفتر روابط عمومی ناتو در بحرین در ژوئن ۲۰۰۷ در منامه پایتخت بحرین.

- برگزاری همایش «روابط میان بحرین و ناتو و طرح همکاری استانبول» در آوریل ۲۰۰۸ در منامه و امضای توافقنامه همکاری در زمینه مبادله اطلاعات امنیتی بین ناتو و بحرین. در حاشیه این همایش شیخ عبدالعزیز بن مبارک آل خلیفه رئیس بخش هماهنگی وزارت خارجه بحرین تأکید کرد که این توافقنامه شامل حدود یکصد زمینه همکاری میان دو طرف بوده و فقط محدود به همکاری‌های امنیتی نمی‌شود و شامل همکاری دیپلماتیک، تبادل تجارب در حالت بروز حوادث غیرمترقبه و مقابله با مشکلات زیست‌محیطی نظیر گرمایش زمین و... می‌گردد.

۳-۱- مقابله با تهدیدات نوین

رشد و گسترش بنیادگرایی اسلام‌گرا و ضرورت مبارزه با آن، ضرورت مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و احتمال استفاده آن از سوی تروریست‌ها، معضل دولت‌های فروپاشیده^{۱۶} و امکان تبدیل آنها به مکان امنی برای تروریست‌ها، مواد مخدر، تروریسم سایبری و... به عنوان تهدیدات نوینی هستند که جزو دغدغه‌های اصلی ناتو برای گسترش حضور و نفوذ در منطقه خلیج فارس می‌باشد و این دقیقاً منطبق با رویکردی است که ناتو در سند «مفهوم راهبردی نوین»^{۱۷} اتخاذ کرده است که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۱ منتشر شد و سپس نسخه تکمیل‌شده و بازبینی‌شده آن در سال ۱۹۹۹ در نشست سران ناتو در واشنگتن به تصویب رسید.

در این سند از رویکردی جامع به امنیت، شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در کنار ابعاد دفاعی سازمان، تقویت ساختارها و رویه‌های لازم برای پیشگیری از بحران و مدیریت بحران، تداوم تلاش‌ها در جهت عملی ساختن موافقتنامه‌های کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه و... نام برده شده است و تلاش

ناتو برای مقابله با تهدیدات نوین نیز در راستای اجرای همین سند و بر اساس اصل تعهد و اصل مشارکت صورت می‌گیرد.

امروزه، تروریست‌های متولد ریاض در قندهار آموزش می‌بینند و توطئه مرگبار کوبیدن هواپیماها به برج‌ها در نیویورک را در هامبورگ آلمان می‌چینند. این تسلسل و به هم پیوستگی حاکی از آن است که تحولات در یک نقطه، امنیت، آسایش و رفاه شهروندان در دیگر نقاط جهان را متأثر می‌سازد. لذا بیشتر اوقات تنها دفاع مؤثر در مقابل چنین خطرات دوردستی، خنثی کردن آنها در خاستگاه آنان است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶، صص ۱۱-۱۰). بنابراین مبارزه با تروریسم و دیگر تهدیدات نوین چالش اصلی امنیت بین‌المللی بوده که بر این اساس ناتو نیز از نقطه نظر پیشگیری از بحران و مدیریت آن درصدد همکاری با کشورهای منطقه برآمده است.

دبیرکل سابق ناتو، یاپ دوهوپ شفر^{۱۸}، در کنفرانس ناتو در دوحه قطر دلایل همکاری ناتو با کشورهای حوزه خلیج فارس را چنین بیان نموده است:

«۱. تغییرات محیط بین‌المللی: تهدیداتی که ما امروزه با آنها مواجه‌ایم،

18. Jaap de Hoop Scheffer

16. Failed States
17. New Strategic Concept

کشورهای عضو ناتو روبه‌رو هستند، مواجه‌اند. خطرات مشابه و تهدیدات فزاینده، امنیت تمام کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. از میان این تهدیدات می‌توان به افراط‌گرایی، تروریسم، جرائم چند ملیتی و دسترسی خطرناک‌ترین تروریست‌ها به خطرناک‌ترین تسلیحات در جهان اشاره کرد.»

ژنرال کلودیو بیسونیئرو^{۲۰} معاون دبیرکل دبیرکل ناتو نیز طی سخنرانی در مؤسسه دیپلماتیک کویت در ژانویه ۲۰۰۸ بیان داشت: «امروزه تهدیدات امنیتی، جهانی شده‌اند و چالش‌هایی که محیط امنیتی را تهدید می‌کنند، عبارت‌اند از:

۱. دولت‌های فروپاشیده: مشکل فضاهای بدون حاکمیت که ممکن است امنیت منطقه و حتی وسیع‌تر از منطقه را تهدید کنند و وظیفه ما این است که حداقل از افزایش این مشکل جلوگیری کنیم.

۲. قدرت روبه رشد بازیگران غیردولتی: جهانی شدن این اجازه را به افراد متعصب داده تا با دسترسی به تکنولوژی، پتانسیل تخریب‌هایی در حد بسیار وسیع به دست آورند. با توجه به خطرات حملات سایبری به زیرساخت‌های اطلاعاتی یک کشور واضح است که امروزه بازیگران غیردولتی می‌دانند

منحصر به هریک از ما نیست، آنها عموماً در سراسر جهان گسترده‌اند و هیچ یک از کشورها از آنها مصون نیست، از زمان پایان جنگ سرد، چالش‌های امنیتی بیشتری در بخش‌های مختلف جهان به وقوع پیوسته است، از تروریسم و دولت‌های فروپاشیده گرفته تا اشاعه سلاح‌های کشتار همگانی، قاچاق انسان و مواد مخدر. این تهدیدات اغلب گسترش یافته و به آسانی قابل کنترل نیستند.

۲. تغییر ماهیت خود ناتو: در طول جنگ سرد، تمرکز ما بر ممانعت از وقوع جنگی عظیم در اروپا بود. امروز ناتو بسیار متفاوت شده است. ما متعهد به یک سلسله مأموریت‌های متنوع هستیم؛ از حفظ صلح در بالکان و افغانستان گرفته تا کمک‌های بشردوستانه در پاکستان، حمایت از اتحادیه آفریقایی در سودان، هدایت عملیات ضد تروریستی در دریای مدیترانه و مأموریت آموزش در عراق.»

دبیرکل جدید ناتو آندرس فوگ راسموسن^{۱۹} نیز در کنفرانسی در ابوظبی در جریان امضای توافقنامه امنیتی بین ناتو و امارات متحده عربی بیان داشت: «کشورهای حوزه خلیج فارس با همان خطراتی که

که جهت ایجاد بی‌ثباتی در یک کشور دیگر نیاز به نیروی نظامی سخت‌افزاری نیست.

۳. گسترش سلاح‌های کشتار همگانی

وی در ادامه خاطر نشان می‌کند که برخی از اصول مهمی که به اقدام دسته‌جمعی کمک خواهند کرد، عبارت‌اند از: ۱. استراتژی تعامل^{۲۱} که ویژگی اصلی است که امروزه در مأموریت‌ها و عملیات ناتو قابل مشاهده است. مأموریت ناتو در افغانستان، کوزوو، عملیات حفظ صلح در سودان و سومالی و اقدامات بر ضد دزدان دریایی در سواحل سومالی همه نشان از جهت‌گیری ناتو در محیط امنیتی جدید است.

۲. اینکه هیچ سازمان یا دولتی به تنهایی توانایی لازم جهت مدیریت امنیتی مؤثر را ندارد.

۳. ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی در یک رویکرد جامع باید به کار گرفته شود.

۴. اصل مشارکت: امروزه چالش‌ها همه کشورها را درگیر ساخته و بنابراین نیازمند همکاری همه آنها با یکدیگر است.»

(Arab Times, 2009, p.2)

بنابراین ناتو در راستای اجرای سند مفهوم نوین راهبردی و با هدف ترویج ثبات در مناطق پیرامونی خویش درصدد است

برای مقابله با تهدیدات نوین امنیتی در محیط جدید امنیتی که پس از پایان جنگ سرد و به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر شکل گرفته، خود را آماده سازد. از این رو پیشگیری از وقوع بحران و مدیریت بحران را در مناطق بحران‌خیز مد نظر قرار داده است که منطقه خلیج فارس نیز به دلیل وقوع سه درگیری مسلحانه (جنگ اول، دوم و سوم خلیج فارس) در طی سی سال اخیر یکی از بحرانی‌ترین مناطق پیرامونی ناتو می‌باشد. از این رو ضرورت همکاری ناتو با کشورهای منطقه از این جنبه می‌تواند قابل درک باشد.

۳-۲- پیشگیری از تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

سران ناتو در نشست نوامبر ۲۰۰۶ در ریگا، سندی تحت عنوان «رهنمود سیاسی فراگیر»^{۲۲} به تصویب رساندند که چشم‌انداز ۱۰ الی ۱۵ ساله سازمان را ترسیم و دستورالعمل‌هایی را در خصوص جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها و توانمندی‌های سازمان ارائه می‌کند. در این سند آمده است که تروریسم با گستره جهانی و مرگبارش در کنار گسترش تسلیحات کشتار همگانی، احتمالاً تهدیدات اصلی پیش‌روی سازمان در آینده خواهد بود. از این رو مسئله پیشگیری

۲. مسئله هسته‌ای ایران با وجود دولت شیعی در عراق، عدم تمایل دولت‌های عربی منطقه به مشارکت در حیطه موضوعات امنیت را افزایش می‌دهد (Noll, 2009, p.7).

۳. ایجاد چتر اتمی ایران که به عرب‌های تندرو علیه اسرائیل جسارت بخشیده و همسایگان میانه‌روی اسرائیل را نیز به سوی اقدام تهاجم‌تری سوق می‌دهد.

۴. احتمال آغاز مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس و رفتن کشورهای منطقه به سمت چنین برنامه‌ای.

۵. برخی کشورهای کوچک‌تر خلیج فارس که از مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت نیز می‌باشند، ممکن است در برابر ایران دچار ارباب شده و تن به قیمومت آن بسپارند.

با توجه به این پیامدها، مسئله هسته‌ای ایران در کانون توجه ناتو در مناسباتش با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس قرار می‌گیرد و از این روست که ناتو درصدد ایفای نقش در مسئله هسته‌ای ایران به عنوان بحران است. لذا در گزارش مجمع پارلمانی ناتو نیز آمده است که «ناتو با توجه به ارتباطات ویژه‌ای که با سازمان ملل، اتحادیه اروپایی و شرکای خود دارد، می‌تواند نقطه مناسبی برای هماهنگی در زمینه مسئله هسته‌ای ایران باشد. ناتو در هر دو

از تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یکی از دغدغه‌های اصلی ناتو در منطقه خاورمیانه و از جمله منطقه خلیج فارس نیز می‌باشد و یکی از اهداف اصلی همکاری‌های ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز همین موضوع با محوریت مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است.^(۱)

در گزارش شماره ۱۷۶ مجمع پارلمانی ناتو با عنوان «ایران: چالشی برای همکاری فرآتلانتیک» آمده است: «برنامه اتمی ایران همواره یکی از موضوعات امنیتی جامعه بین‌المللی و به ویژه کشورهای عضو ناتو است. فعالیت هسته‌ای ایران را صرفاً نایست مربوط به همسایگانش تلقی کرد، بلکه باید آن را به عنوان عامل تضعیف‌کننده رژیم منع گسترش تلقی نمود.»

از دیگر پیامدهای مسئله هسته‌ای ایران علاوه بر تضعیف رژیم منع گسترش، معمولاً در آثار نویسندگان غربی به موارد زیر اشاره می‌گردد:

۱. مسئله هسته‌ای ایران، موجب اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی‌تری می‌گردد که تأثیر منفی بر نبرد با تروریسم و حفظ ثبات داخلی در دولت‌های خلیج [فارس] خواهد داشت (Polenz, 2005, p.6).

مرحله «پیشگیری از هسته‌ای شدن ایران» و «مقابله با ایران هسته‌ای» از ظرفیت بالایی برای ایفای نقش برخوردار است» (زبیب، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

همچنین در این گزارش، برای فشار به ایران، نقش کشورهای عرب و به ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس، با توجه به تنش‌های تاریخی این کشورها با ایران، فوق‌العاده و ظرفیتی قابل بهره‌برداری معرفی شده است. همچنین تأکید شده که چنانچه ایران پایبندی به تعهدات بین‌المللی نشان ندهد، ائتلاف و شرکایش باید در مورد چگونگی محاصره بهینه ایران با ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک و حتی نظامی به اجماع برسند. نقش ناتو در چنین فرضی حمایت از تردد کشتی‌ها در خلیج فارس در برابر اقدامات ایران، نظارت بر کشتی‌های تجاری به مقصد ایران برای تضمین اجرای مصوبات شورای امنیت و حمایت از تأسیسات انرژی همسایگان ایران خواهد بود. ناتو با ارائه یک تضمین امنیتی به شرکای منطقه‌ای خود در خلیج فارس علاوه بر کمک به ثبات خلیج فارس با این اقدام (ایجاد موازنه امنیتی) بدون ضرورت دسترسی کشورها به سلاح هسته‌ای، عملاً به پیشگیری از تضعیف پیمان

عدم گسترش هم کمک می‌کند (زبیب، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

گسترش حضور نظامی ناتو در منطقه، گفتگوی امنیتی با همسایگان ایران به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، تعهد به آموزش نظامی نیروهای این کشورها و تبادل اطلاعات در مورد ایران نیز از جمله نقش‌های احتمالی ناتو در برخورد با مسئله هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده است (Ross, 2008, para.43). همچنین گفته شده است که اگر ناتو بخواهد به ایفای نقش خود در پیشگیری از گسترش سلاح‌های کشتار همگانی که به عنوان یکی از اهدافش بیان شده، بپردازد، بایستی به بازرسی‌های منظم و مشابه از هر یک از دولت‌های منطقه که مظنون به داشتن توانایی‌های هسته‌ای است، اقدام نماید.

عامل اساسی که کشورهای شمال را در اعمال فشار بر جنوب جهت جلوگیری از دستیابی به این سلاح بیش از پیش حساس می‌کند، عامل بازدارندگی آن در بلندمدت است. اگرچه ممکن است هم‌اکنون کشورهای مزبور به سلاح مذکور به عنوان ابزار موازنه وحشت بنگرند، اما در بلندمدت احتمال آن وجود دارد که جنوب به توان بازدارندگی مسلح شود. اگر چنین شود، آنگاه منزلت

اهداف بلندمدت حضور ناتو در منطقه و انعقاد قراردادهای همکاری‌های امنیتی با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس را می‌توان درگیر ساختن این کشورها در چارچوب یک الگوی امنیتی مشارکتی منطقه‌ای تعریف کرد؛ الگویی که بر چالش‌های فراروی منطقه غلبه کرده و بتواند ثبات و امنیت منطقه را حفظ نماید.

لذا باید در نظر داشت که: «خلیج فارس» به عنوان یک زیر مجموعه امنیتی با پراکندگی قدرت و الگوهای دوستی - دشمنی تاریخی - جغرافیایی ترکیب شده است. هدف ابتکار همکاری استانبول رسیدن به رژیم امنیتی است که با منافع دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس آمیخته شده باشد، بنابراین شش کشور عضو این شورا را هدف‌گیری کرده که این موضوع نیز با جهت‌گیری ناتو در دوران پس از جنگ سرد و ضرورت تعریف مأموریت‌های جدید برای اتحاد شکل گرفته است. لذا ناتو هنوز مردد است که آیا مدل ابتکاری ناتو در اروپای شرقی «مشارکت برای صلح» راهنمای خوبی در خلیج فارس نیز خواهد بود؟»

(Russell and Bary, 2007, p.2)

و این در حالی است که هنوز ایران و عراق به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای که قدرت

هژمونیک غرب از بین خواهد رفت. در چنین وضعیتی غرب نیز به عنوان یک مجموعه هم‌ردیف از بازیگران جهانی در خواهد آمد و نه مجموعه مسلط در آن (سیف‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲).

بنابراین جلوگیری از تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یکی از اصلی‌ترین دلایل همکاری‌های ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌باشد.

۳-۳- تلاش برای ایجاد الگوی امنیتی مشارکتی منطقه‌ای

وقوع سه جنگ در طی سی سال اخیر در منطقه خلیج فارس و انواع ادعاها و اختلافات ارضی کشورهای منطقه (اختلافات ارضی عربستان و قطر، قطر و بحرین، کویت و عراق، ایران و عراق و...) ضرورت شکل‌گیری الگوی امنیتی مشارکتی را در منطقه نشان می‌دهد. الگویی که از پررنگ شدن زمینه‌های تنش بین کشورها جلوگیری می‌کند و از وقوع جنگ احتمالی در آینده پیشگیری می‌نماید.

به عبارتی دیگر، نوعی الگوی مشارکتی که همه کشورها در آن خواستار امنیت متقابل بوده و در آن کشورها به دوست یا دشمن تقسیم نشده باشند. بنابراین یکی از

نفوذ و تأثیرگذاری آنها بیش از سایر همسایگان است، در الگوی امنیتی مبتنی بر ابتکار همکاری استانبول جایی ندارند. در مورد عربستان نیز هرچند تلاش‌هایی برای ورود این کشور به این ابتکار صورت گرفته و حتی کنفرانس ریاض نیز با همین هدف در ژانویه ۲۰۰۷ برگزار شد و رسماً از عربستان دعوت به عمل آمد تا به این طرح بپیوندد، اما هنوز عربستان پاسخ مثبتی به این طرح نداده است.

«در حالی که ایران، عراق و عربستان سعودی هر کدام به دنبال مانور قدرت و موقعیت برتر در خلیج [فارس] هستند، دولت‌های کوچک‌تر عربی خلیج [فارس] به موازنه قدرت خارج از منطقه و از طریق ایالات متحده می‌اندیشند» (Russell, 2005, p.77) و ابتکار همکاری استانبول با فرض مواجهه نظامی با ایران، بعید است که بتواند نقش مهمی در تقویت امنیت خلیج [فارس] ایفا نماید (Legrenzi, 2007, p.74).

از همین رو در گزارش شماره ۱۷۶ مجمع پارلمانی ناتو نیز آمده است که: «ناتو باید مجمعی برای گسترش یک راهکار اولیه دیپلماتیک باشد که ایران و دیگر کشورهای منطقه را تشویق کند در یک گفتگوی امنیتی وارد شوند. بنابراین ناتو می‌تواند نقش

مهم‌تری در ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس ایفا کند و آن اینکه باید مجمعی برای بحث پیرامون موضوعات امنیتی فرآتلانتیکی باشد. باید با ایران وارد مذاکره شود. اگر دولت‌های عضو بر سر این موضوع به توافق نرسند، اعتبار این اتحاد تضعیف خواهد شد.» بنابراین درگیر ساختن همه کشورهای منطقه اعم از ایران، عراق و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس برای ساخت یک چارچوب امنیتی منطقه‌ای علی‌رغم تنش‌ها و اختلافات تاریخی و جغرافیایی این کشورها یکی از مأموریت‌هایی است که ناتو درصدد است در درازمدت برای پاسخگویی در برابر چالش‌های امنیتی منطقه برقرار سازد.

۳-۴- تأمین امنیت انرژی و تضمین ترابری در خطوط انتقال انرژی

امنیت انرژی یکی دیگر از مسائل و موضوعات مورد توجه ناتو است و «قطع جریان منابع حیاتی» نیز از زمره تهدیدات نوین پیش روی ناتو در سند مفهوم راهبردی نوین مطرح شده بود. همچنین در سند رهنمود سیاسی فراگیر مصوب نشست ریگا نیز مسئله تأمین امنیت انرژی یکی از دغدغه‌های اصلی ناتو ارزیابی شده است. دبیرکل وقت ناتو نیز در نشست دو روزه غیر

قرار دارد که شامل اولین، دومین و سومین کشورهای دارای ذخایر نفتی (عربستان، عراق و ایران) است و همچنین شامل دومین، سومین، پنجمین و هفتمین کشورهای دارای ذخایر گاز طبیعی (ایران، قطر، عربستان و امارات)^(۲) است. از این رو اقتصاد جهانی در حال حاضر وابسته به انرژی صادراتی این منطقه بوده و پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از آن است که این وابستگی تا دهه‌ها ادامه داشته باشد. از سوی دیگر نیز حدود ۲۰ درصد از منابع انرژی مورد نیاز اروپا و حدود ۱۷ درصد از واردات نفت ایالات متحده به منابع انرژی منطقه خلیج فارس وابسته است (Ross, 2008, para.42). همچنین حدود یک چهارم نفت مورد نیاز دنیا از تنگه هرمز می‌گذرد. بنابراین، این منطقه از نقطه نظر منابع انرژی و خطوط انتقال انرژی بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین می‌توان یکی دیگر از دلایل همکاری‌های ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را از این منظر نگریست. چرا که بی‌ثباتی در این کشورها با ایجاد اختلال در مسیر انتقال انرژی در خلیج فارس یا تنگه هرمز به سرعت روی بخش‌های اقتصادی دیگر تأثیر گذاشته، به طوری که احتمال افزایش قیمت نفت و سایر منابع

رسمی سال ۲۰۰۷ در شهر آهرید جمهوری مقدونیه، طی سخنرانی پیرامون موضوع امنیت انرژی بیان داشتند که مسئله امنیت انرژی دغدغه امنیتی مشترک برای اعضای ناتو و شرکاست. لذا ناتو می‌تواند در این زمینه ایفای نقش نماید. در حال حاضر ناتو از طریق شرکای خود به برخی عرضه‌کنندگان عمده، کشورهای ترانزیت و مصرف‌کنندگان انرژی در سطح جهان متصل شده است. وی سه گزینه احتمالی را در این ارتباط برشمرده است:

۱. تقویت حمایت ناتو از نیروی کشورها برای حفاظت از خطوط لوله و مسیرهای انتقال انرژی؛
 ۲. استقرار نیروهای ناتو برای حفاظت از مخازن و خطوط انتقال انرژی؛
 ۳. تقویت مأموریت دریایی ناتو در دریای مدیترانه و احتمال گسترش آن به سایر آبراه‌های بین‌المللی، به منظور حفاظت از مسیرهای دریایی انتقال انرژی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).
- منطقه خلیج فارس نیز به دلیل ذخایر انرژی از اهمیت حیاتی و راهبردی برخوردار است. به طوری که نزدیک به ۶۰ درصد از ذخایر نفت جهان در کشورهای ساحلی آن

انرژی می‌تواند از نخستین پیامدهای چنین بی‌ثباتی و عدم امنیت باشد. بنابراین میزان حساسیت روی امنیت این منطقه در مقایسه با دیگر مناطق جهان از این زاویه قابل درک است و سوابق تاریخی هم نشانگر این حساسیت است؛ به طوری که می‌توان حمله ائتلاف به رهبری آمریکا به عراق پس از حمله و اشغال کویت را به عنوان نمونه ذکر نمود.

۴- ناتو - کشورهای جنوبی خلیج فارس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

همان طور که در گزارش پارلمانی ناتو نیز آمده، ناتو هم در مرحله پیشگیری و هم در مرحله مقابله با برنامه هسته‌ای ایران از ظرفیت بالایی برای ایفای نقش برخوردار است و لذا در این راستا، همکاری‌های نظامی - امنیتی ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که عمدتاً قراردادهای همکاری نظامی - امنیتی با ایالات متحده نیز دارند، می‌تواند تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. این مسئله به ویژه با توجه به تنش‌های تاریخی که همواره بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است، بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر با توجه به وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این کشورها و ضرورت و نیاز اکثر کشورهای عضو ناتو و هم‌پیمانان دیگر آنها به منابع انرژی خلیج فارس، این همکاری‌ها می‌تواند به پیشبرد سیاست‌های تحریمی علیه ایران در زمینه انرژی نیز کمک کند، چرا که با وجود میزان ذخایر عظیم انرژی در این کشورها، با میزان افزایش تولید در برخی از این کشورها از قبیل کویت، امارات یا عربستان، بازار نفت یا گاز تحت کنترل درآمده و می‌تواند سیاست‌های تحریمی علیه ایران در این زمینه را به پیش برده و مسئله افزایش قیمت منابع انرژی را که ممکن است نگرانی‌هایی را در مواجهه با ایران شکل دهد، مرتفع سازد.^(۳) و بدین ترتیب به اجماع بیشتر علیه سیاست‌های تحریمی یا انواع دیگر سیاست‌های بازدارنده علیه جمهوری اسلامی ایران کمک کند. همچنین این همکاری‌ها می‌تواند به تکمیل محاصره نظامی جمهوری اسلامی ایران توسط ناتو با توجه به حضور ناتو در افغانستان، عراق و عضویت ترکیه در ناتو منجر شده و ایران را در حلقه امنیتی ناتو قرار دهد و از این رو قدرت عمل و برخورد ناتو یا کشورهای تأثیرگذار و اصلی عضو ناتو را در صورت احتمال برخورد نظامی با

اساس نظریه امنیت تعاونی توضیح داده شده است.

بنابراین ناتو در راستای این استراتژی یعنی ترویج ثبات در منطقه خلیج فارس چندین هدف را توأمان پیگیری می‌کند که در قسمت‌های پیشین مقاله به طور مفصل بحث گردید. به نظر می‌رسد با توجه به این موضوع یعنی اهمیت ثبات و امنیت در این منطقه برای کشورهای عضو ناتو و حتی بیان صریح برخی مقامات ناتو مبنی بر حمایت از کشورهای منطقه در صورت حمله نظامی^(۴)،

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باید در راستای تنش‌زدایی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشد و از به کارگیری تهدیداتی مبتنی بر ایجاد اختلال در مسیر انرژی خلیج فارس که به عنوان حلقه ارتباطی و مسیر اصلی انتقال انرژی منطقه به خارج است، پرهیز شود و بر ساخت یک الگوی امنیتی مشارکتی در منطقه که از ثبات و کارآیی برخوردار باشد و در ضمن همه کشورهای منطقه را در بر گیرد، تأکید شود و تلاش‌هایی را نیز در این زمینه آغاز کند. بدیهی است که در وهله نخست، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای نیل به این اهداف می‌بایست بتواند جایگاه و چهره‌ای را که برخی رقبا برای ایران به عنوان

جمهوری اسلامی ایران بر سر مسئله هسته‌ای افزایش دهد. از این رو همکاری‌های ناتو با کشورهای جنوبی خلیج فارس با توجه به دلایل فوق مستقیماً تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت و هرچه قدر که این نوع همکاری‌ها افزایش پیدا کند، به پیشبرد سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که علیه جمهوری اسلامی ایران در مسئله هسته‌ای یا هر مسئله دیگری شکل می‌گیرد، کمک خواهد کرد.

فرجام

با توجه به اهمیت منطقه خلیج فارس از نقطه نظر همسایگی ناتو، میزان منابع انرژی موجود در منطقه، ضرورت امنیت مسیرهای انتقال انرژی در خلیج فارس و تنگه هرمز، فقدان الگوی امنیتی کارآمد در منطقه به دلیل تنش‌های تاریخی - جغرافیایی موجود در کشورهای منطقه، به نظر می‌رسد سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به دنبال بازتعریفی از نقش و کارکرد خود در ارتباط با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برآمده که این مسئله با دعوت از این کشورها براساس ابتکار همکاری استانبول جنبه عملی به خود گرفته است. بنابراین همکاری‌های ناتو با کشورهای این منطقه در راستای ترویج ثبات در مناطق پیرامونی و همسایگی ناتو بر

یک چالشگر منطقه‌ای هنجارگیز ترسیم کرده‌اند، تغییر دهد و خود را کنار همسایگان به عنوان بخشی از الگوی امنیتی بومی بدون دخالت بیگانگان معرفی نماید. همچنین با توجه به همسایگی جمهوری اسلامی ایران با ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو، و همسایگی با عراق و افغانستان که در این دو کشور نیز نیروهای ناتو حضور دارند(در افغانستان در قالب نیروهای ایساف و در عراق در قالب آموزش نیروهای عراق) باید در نظر داشت که خواسته یا ناخواسته، کشورمان نیز در همسایگی و مجاورت ناتو قرار گرفته، بنابراین ثبات و امنیت این منطقه بیش از پیش اهمیت اساسی یافته است.

روسیه، ایران، قطر، ترکمنستان، عربستان سعودی، آمریکا، امارات، نیجریه، ونزوئلا و الجزایر.

۳- در این راستا می‌توان به سفر وزیر امور خارجه آمریکا، هیلاری کلینتون، به عربستان و قطر در فوریه ۲۰۱۰ اشاره کرد که در همین زمینه یعنی اطمینان به چین در مورد کنترل قیمت نفت با افزایش میزان تولید عربستان ارزیابی شده است.

۴- از جمله این اظهارات صریح می‌توان به سخنان دبیرکل ناتو، آندرس فوگ راسموسن، در مراسم امضای انعقاد موافقتنامه امنیتی ناتو و امارات در اکتبر ۲۰۰۹ در ابوظبی اشاره کرد که اظهار داشت: «چنانچه امارات از سوی همسایگان خود مورد حمله قرار گیرد، ناتو از این کشور حمایت خواهد کرد.»

پانوشتها

- ۱- البته همان گونه که بارها مقامات کشورمان تأکید کرده‌اند، برنامه هسته‌ای ایران برخلاف ادعای غرب هیچ گاه جنبه نظامی نداشته است و ادعاهایی که در محافل غربی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد، در راستای جلوگیری از دستیابی ملت ایران به حق مسلم و قطعی خویش یعنی دسترسی به تکنولوژی هسته‌ای می‌باشد.
- ۲- بنابر آمار منتشره از سوی اوپک در سال ۲۰۰۹، ده کشور دارنده بیشترین ذخایر گاز طبیعی عبارت‌اند از:

منابع فارسی

۱. توافقنامه امنیتی ناتو - امارات، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۸۸، *فرهیختگان*.
۲. Website: www.farheekhtegan.ir/content/view/42/4175
۳. خانی، علی عبدالله (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی* (۱)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۴. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۶)، *سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. زبیب، رضا، «گزارش مجمع پارلمانی ناتو در مورد جمهوری اسلامی ایران»، (فروردین ۱۳۸۸)، *ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، ش ۲۲۹.

for Interdiction and Counter-Proliferation: Policy. *Strategic Insights*, Volume VI, Issue 5.

13. Russell, Richard L. (Winter 2005). The Persian Gulf's Collective-Security Mirage. *Middle East Policy*, Volume XII, Number 4.
14. Scheffer, Jaap de Hoop. Speech by NATO Secretary General at the State of Qatar/NATO/Rand Conference in Doha, Qatar. Retrieved December 22, 2009. from NATO website, available at: http://www.nato.int/cps/en/natolive/opinions_59503.htm 'NATO'S role in Gulf Security'

۵. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، *معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

منابع لاتین

6. Kuwait Comfortable with Level of Nato Ties, (2009, January 28), Says FM. *Arab Times*.
7. Legrenzi, Matteo (Spring 2007). Nato in the Gulf: Who is Doing Whom a Favour. *Middle East Policy*, Volume XIV, Number 1, 69-76.
8. Noll, Andrew (2009). *The Iranian Threat and a Reinvigorated Gulf Cooperation Council*. Retrieved December 19, 2009, from Department of Government, The College of William and Mary Website: http://irtheoryandpractice.wm.edu/projects/PIPS/Andrew_Noll_policybrief.pdf
9. Polens, Ruprecht (2005). *NATO and Persian Gulf Security*. Retrieved December 2009, from NATO Parliamentary Assembly, available at: <http://www.nato-pa.int>
10. Polenz, Ruprecht. *Iran a Challenge for Transatlantic Cooperation*. Retrieved December 20, 2009, from NATO Parliamentary Assembly, available at: <http://www.nato-pa.int/default.asp?SHORTCUT=992>
11. Ross, Mike (2008). *Iran-Making a Case for NATO's Political Engagement*. Retrieved December 15, 2009, from NATO Parliamentary Assembly, available at: <http://www.nato-pa.int/default.asp?SHORTCUT=1468>
12. Russell, James A. and Bury Trisha (2007). Over-the-Horizon Proliferation: Challenges